



ابن هیثم یک فیلسوف مهندس است/اگر نور نبود نگاه نبود

ابراهیمی دینانی، چهره ماندگار فلسفه گفت: از نظر ابن هیثم نگاه با نور میسر است یعنی اگر نور نبود، رویت هم نبود به بیان دیگر نگاه و رویت آنجایی معنا دارد که نور هست و اگر نور نبود، نگاه نبود.

ابراهیمی دینانی، چهره ماندگار فلسفه گفت: از نظر ابن هیثم نگاه با نور میسر است یعنی اگر نور نبود، رویت هم نبود به بیان دیگر نگاه و رویت آنجایی معنا دارد که نور هست و اگر نور نبود، نگاه نبود.

به گزارش خبرنگار مهر، همایش بزرگداشت ابن هیثم، دانشمند بزرگ جهان اسلام تحت عنوان «جهان بینی نور» روز گذشته ۱۶ دی ماه در فرهنگستان علوم برگزار شد.

غلامحسین ابراهیمی دینانی، یکی از سخنرانان این همایش یک روزه بود؛ وی سخنرانی خود را با یک بیت از اشعار مولوی آغاز کرد و گفت: دهان پر است جهان خموش را از راز چه مانعست فصیحان حرف پیمای را. ابن هیثم اندیشمندی بود که در قرن ۴ و ۵ هجری زندگی می کرد، او اهل بصره بود ولی بیشتر عمرش را در مصر زندگی می کرد و چون در آن زمان بیشتر بصره ای ها ایرانی بودند، احتمال اینکه او هم از نژاد ایرانی ها باشد می رود. لقبی که من به ابن هیثم می دهم فیلسوف مهندس یا مهندس فیلسوف است. او هم دوره و هم عصر ابن سینا و ابوریحان بود و حدود ۸۰ اثر برای او ذکر شده که البته همه اینها در دسترس ما نیست.

وی افزود: «الشکوک علی بطلمیوس» و «المناظر» مهم ترین آثار ابن اندیشمند است. او در کتاب «المناظر» درباره مسئله نور صحبت می کند و به موضوع رویت و نظر می پردازد. ابن هیثم در این اثر مطرح کرده که نگاه با نور میسر است یعنی اگر نور نبود، رویت هم نبود به بیان دیگر نگاه و رویت آنجایی معنا دارد که نور هست و اگر نور نبود، نگاه نبود.

دینانی در ادامه با طرح یک پرسش اضافه کرد: حالا سوالی که پیش می آید این است که نگاه کردن چگونه تحقق می یابد؟ حدود هزارسال پیش دو دسته پاسخ برای این سوال وجود داشت؛ دسته اول معتقد بودند که نگاه به واسطه خروج نور از چشم به وجود می آید که به این نظریه، نظریه خروج نور می گویند. دسته دیگر معتقد بودند که نور حاصل انعکاس است، به همین دلیل نام این نظریه، نظریه انعکاس است. هر دو این نظریه ها دارای ایراداتی است. اشکال نظریه خروج نور این است که اگر نور از چشم خارج می شد پس باید هر چیزی را روشن کند در حالیکه این طور نیست، ایراد نظریه انعکاس این هم این است که اگر نور حاصل انعکاس باشد باید فقط در محل و شرایط معینی اتفاق بیفتد در حالی که اینطور نیست.

چهره ماندگار فلسفه با تاکید براینکه آنچه دیده می شود رنگ است گفت: اگر این موضوع را درست بدانیم که ما رنگ را می بینیم نه نور را. حالا این سوال پیش می آید که آیا نور همان رنگ است یا رنگ با نور فرق دارد؟ من جواب این را نمی دانم و پیدا کردنش کار اندیشمندان امروز است. ابن هیثم معتقد است که اگر چشم نباشد درک و فهم هم اتفاق نمی افتد اما مولوی اعتقاد دارد که اگر گوش نباشد فهم و درک اتفاق نمی افتد همانطور که او کتاب خود را هم با کتاب «بشنو از نی» شروع می کند. بنابراین اگر ابن هیثم را در مقابل مولوی بگذاریم دو چیز در عالم اهمیت پیدا می کند؛ نور و صدا. اساس فهم عالم هستی در بیرون از من نور و صدا و در درون من گوش و چشم است.

عضو پیوسته فرهنگستان علوم ایران ادامه داد: اگر بنای جهان را برگوش و چشم بگذاریم این سوال پیش می آید که می شود همه چیز را با دیدن درک کرد؟ مثلاً ما چگونه می توانیم تفرقه، محبت و مفاهیم این چینی را با دیدن درک کنیم. ابن هیثم جواب می دهد من با تعدد مبصرات عدد را می فهمم و وقتی عدد را فهمیدم، ریاضی را می فهمم و بعد با ریاضی قضایا را درک می کنم.

نویسنده دفتر عقل و آیت عشق اضافه کرد: برگزاری این همایش باعث شد تا من شب گذشته کمی درباره ابن هیثم بخوانم؛ نکته مهمی که می خواهم مطرح کنم این است که ابن هیثم در ابتدای کتاب «المناظر» به خوانندگان کتابش تذکر داده که با هرآنچه می خوانی دشمنی بورز و به خودت بدبین باش. مفهوم این حرف این است که مطالب را طوطی وار نخوان و هرآنچه می خوانی انتقادی بخوان و هرآنچه می شنوی، انتقادی بشنو و به خودت مغرور نشو و با خودت تسامح نکن. این تذکر از دیشب که کتاب را نگاهی انداخته ام بسیار جذیب کرده و خواستم که حتماً به شما هم بگویم.

دینانی گفت: ابن هیثم اهل نور است و رویت و نگاه برایش مهم است. نور چیزی است که برحسب ذات روشن است و همه

چیز را روشن می کند. به بیان دیگر هستی بالذات ظاهر است و همه چیز در پرتو هستی ظاهر می شود. ابن هیثم معتقد است که حس به تنهایی معرفت نمی آورد و باید با تمییز، قیاس و معرفت همراه باشد. درست است که تجربه همه چیز را به ما نشان می دهد ولی اعتبار تجربه هم از عقل است و گرنه معتبر نیست.